

# واکاوی پدیده فساد اقتصادی از منظر فرهنگ اسلامی در چارچوب مدل هافستد

مهدی رزم‌آهنگ\*

مهدی صادقی شاهدانی\*\*

## چکیده

فساد اقتصادی یکی از موضوعاتی است که باید از منظر میان‌رشته‌ای به آن نگریست. پژوهش حاضر، به‌طور مشخص، این مسئله را طرح و بررسی کرده است که «آیا فرهنگ مطلوب (فرهنگ اسلامی) می‌تواند در کنترل و زدودن مفاصد از مناسبات اقتصادی آحاد جامعه نقشی ایفا کند». در این پژوهش، از روش تحلیلی و کتابخانه‌ای و برای تبیین فرهنگ مطلوب در رابطه با مفاصد اقتصادی از مدل هافستد استفاده شده است که در حقیقت نوآوری پژوهش محسوب می‌شود. برای این مهم، مؤلفه‌های فاصله قدرت، اجتناب از ناطمینانی، جمع‌گرایی- فردگرایی و گرایش کوتاه‌مدت- بلندمدت در ارتباط با مفاصد اقتصادی و در چارچوب رفتار دین‌مدارانه توضیح داده شده‌اند. پس از بررسی و پژوهش در این مقاله این نتیجه حاصل شده است که تحقق فرهنگ مطلوب تأثیر قابل توجهی در کاهش رفتارهای فسادآلود در جامعه خواهد داشت. همچنین در کنار مقابله اقتصادی و قضائی با پدیده فساد، برنامه‌ریزی فرهنگی برای تقویت باورهای اسلامی و ضد فساد امری ضروری بوده، استفاده از ابزارهای فرهنگی برای مبارزه با فساد، منجر به افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی شده است و این اقدام به تحقق اقتصاد مردم‌بنیان و بالطبع، تقویت شاخص‌های کلان اقتصادی کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، فرهنگ اسلامی، مفاصد اقتصادی، اعتماد اجتماعی، مدل هافستد

طبقه‌بندی JEL: O43، D24، Z12

\* دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) Mehdi.razm@gmail.com

sadeghi@isu.ac.ir

\*\* استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۷

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ششم، شماره بیستم، بهار ۱۳۹۶، صص ۸۵-۱۰۷

## مقدمه

تطور زندگی اجتماعی در گستره زمان چالش‌های متعددی را در عرصه حیات جمعی ایجاد کرده است که فائق آمدن بر آن چالش‌ها و پیچیدگی‌ها، جز از طریق نگاه میان‌رشته‌ای میسر نیست. پدیده فساد یکی از مواردی است که در اقتصاد و فرهنگ ریشه دارد. پژوهش‌های مرتبط با فساد به‌طور معمول از دو ناحیه به موضوع می‌پردازند؛ گاهی فساد در سطح کارگزاران حاکمیتی بررسی می‌شود و زمانی رفتارهای فسادآلود قاطبه مردم زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد. موضوع نخست در پژوهش‌های متعددی کنکاش شده است و مقاله حاضر قصد دارد ابعاد موضوع دوم را بررسی کند. تاکنون با هدف توضیح عوامل مرتبط با بروز رفتارهای فسادآلود در جامعه پژوهش‌های گسترده‌ای انجام شده است. برخی از پژوهشگران این حوزه، عوامل اقتصادی و فرهنگی را به‌صورت توأمان بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که بروز رفتارهای فسادآلود را به‌صورت تک عاملی نمی‌توان توضیح داد (Sanyal, 2005)؛ برخی دیگر، هنجارها، ارزش‌های اجتماعی و ساختار فرهنگی هر جامعه را عامل توضیح‌دهنده فساد در سطح جامعه معرفی کرده‌اند (Barr & Serra, 2008; Husted, 2002).

بررسی عوامل و ریشه‌های فساد از این جهت اهمیت دارد که گسترش رفتارهای فسادآلود در سطح جامعه و بالطبع افزایش ادراک فساد، می‌تواند اعتماد و سرمایه اجتماعی را خدشه‌دار کند (Delhey & Newton, 2004)، (Stulhofer, 2005)، دقیقاً همین رابطه علی، یکی از نقاط تلاقی فرهنگ و اقتصاد است. توضیح اینکه گسترش رفتارهای فسادآلود به‌واسطه عوامل فرهنگی، منجر به کاهش سطح

اعتماد و سرمایه اجتماعی می‌شود و به این واسطه، شاخص‌های کلان اقتصادی (که بارزترین آن‌ها، شاخص رشد اقتصادی است) به صورت منفی تحت الشعاع قرار می‌گیرند. (Zak & Knack, 1998 & 2001); (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶)

با فرض اینکه هنجارها، ارزش‌های اجتماعی و ساختار فرهنگی هر جامعه، عواملی اساسی در بروز رفتارهای فسادآلود هستند (این موضوع در پژوهش‌های متعددی اثبات شده است) پرسش مشخص پژوهش حاضر این است: «آیا تجلی آموزه‌های اسلامی در ساختار فرهنگی جامعه و شکل‌گیری فرهنگ اسلامی می‌تواند تواتر و سطح فساد را در جامعه کاهش دهد؟» بر این اساس ابتدا ادبیات نظری پژوهش در سه بخش «نسبت فرهنگ و مفاسد اقتصادی»، «نسبت مفاسد اقتصادی و اعتماد اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی» و «تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی» بررسی و سپس فرهنگ اسلامی (فرهنگ مطلوب) در رابطه با مفاسد اقتصادی با استفاده از مدل هافستد تبیین و در پایان جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی ذکر شده است.

## ۱. پیشینه پژوهش

### ۱-۱. نسبت فرهنگ و مفاسد اقتصادی

«هاستد»<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «فرهنگ و توافق بین‌المللی مقابله با فساد در آمریکای لاتین» درباره فساد در کشورهای آمریکای جنوبی به بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر میزان و نوع فساد پرداخته است. در سال ۲۰۰۱ تفاهم‌نامه‌ای بین «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه»<sup>۲</sup> و «سازمان ایالت‌های آمریکایی»<sup>۳</sup> مبنی بر کاهش فساد در کشورهای آمریکای جنوبی امضا شد و نویسندگان به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا برنامه‌های کاهش فساد در آمریکای جنوبی با توجه به حاکمیت فرهنگ فساد در آن کشورها، تأثیرگذار است یا خیر! بر طبق نتیجه پژوهش تا زمانی که ساختار فرهنگی آمریکای جنوبی

1. Husted

2. OECD

3. OAS

شناخته نشود، برنامه‌های کاهش فساد کارآمد نخواهد بود. نویسندگان الزامات فرهنگی موفقیت برنامه‌های کاهش فساد را نیز در این منطقه معرفی کرده است.

«سانیل» (۲۰۰۵) پژوهش خود را با هدف شناسایی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر پدیده رشوه انجام داده و با استخراج آمارهای اقتصادی از بانک جهانی و مبنای قرار دادن آمارهای مربوط به پژوهش هافستد (۱۹۹۷) به این نتیجه رسیده است که عوامل اقتصادی و فرهنگی، توأمان باعث بروز و تشدید پدیده رشوه می‌شوند. درآمد سرانه پایین و شکاف درآمدی باعث افزایش رشوه می‌شود. همچنین عوامل فرهنگی نظیر فاصله قدرت و مردسالاری در یک کشور پدیده رشوه را در بین مردم و سازمان‌ها تشدید می‌کند (Sanyal, 200, pp 1-4)

«بار و سرا»<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند که «چرا عده‌ای رفتارهای فسادآلود را بر درستکاری ترجیح می‌دهند و آیا هنجارها و ارزش‌های اجتماعی کشوری که افراد در آن بزرگ شده‌اند، بر روی رفتار فسادآلود افراد تأثیرگذار است؟» آن‌ها ۱۹۵ دانشجوی دانشگاه آکسفورد را که از کشورهای مختلف انتخاب شده بودند، در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ مورد آزمایش قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که درباره هر یک از آزمایش‌شوندگان با توجه به کشور محل زندگی (که سطح معینی از فساد در آن‌ها گزارش شده است) تا حد زیادی می‌توان پیش‌بینی کرد که آیا برای کسب منفعت شخصی و با علم به صدمه به دیگران، تن به رشوه می‌دهند یا خیر!

## ۱-۲. نسبت مفاسد اقتصادی و اعتماد اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی

یکی از مجاری تأثیر فساد دولتی بر اعتماد اجتماعی، اعتقاد به قانون‌مداری دولت است. چنانچه مردم نسبت به فسادهای دولتی آگاهی پیدا کنند یا ادراکشان نسبت به فساد تقویت شود (اعتقاد اکثریت مردم بر فساد بودن مدیران دولتی شکل بگیرد) به این نتیجه می‌رسند که قانون‌مداری دولت بسیار ضعیف است؛ بنابراین نمی‌توان با سازوکار قانونی به نتیجه مطلوب رسید (seligson, 2002).

بنابراین می‌توان برداشت کرد، شهروندانی که در مناطق با سطوح بالای فساد زندگی می‌کنند، نسبت به عملکرد نظام سیاسی ارزیابی منفی دارند و سطح اعتماد پایین‌تری در اجرای مسئولیت‌های شهروندی از خود نشان می‌دهند (Anderson & tverdova, 2003).

نتیجه رفتارهای دولتی به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا بعضی از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که اساساً اعتماد اجتماعی به‌وسیله رفتار مسئولین شکل می‌گیرد. به این معنا مردم نسبت به رفتار مسئولانی که با آن‌ها در ارتباط هستند، استنباط می‌نمایند و بر این اساس اعتماد اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «ارزیابی اخلاقی مردم نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند». رفتار مسئولان همچنین مهم‌ترین ابزار در ارزیابی اخلاقی برای شکل‌دهی به باورها پیرامون اعتماد تعمیم‌یافته (میزان قابل اعتماد بودن اطرافیان) است (uslander, 2005). به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تجربه مردم از فساد مسئولان نه تنها اعتماد نهادی (اعتماد مردم به نهادها و مسئولان) را دچار انقباض می‌سازد، بلکه اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد مردم به مردم) را نیز خدشه‌دار می‌کند (Rothstein & Eek, 2009).

گروهی از پژوهشگران نیز پا را فراتر گذاشته و در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که فساد و اعتماد اجتماعی نسبت به یکدیگر رفتار رفت و برگشتی دارند (uslander, 2002) و (Morris & klesner, 2010) گسترش و شیوع رفتارهای فسادآلود در جامعه باعث می‌شود افراد به این نتیجه برسند که اطرافیان آن‌ها تا حد زیادی متقلب و کلاه‌بردار هستند و از راه‌های میان‌بُر و غیرقانونی به اهداف خود می‌رسند؛ پس اعتماد خود را تا حد زیادی نسبت به اطرافیان از دست می‌دهند و تصمیم می‌گیرند که همانند آنان به راه‌های میان‌پر متوسل و به بیان دیگر دست به دامن فساد شوند. همین کاهش اعتماد اجتماعی دوباره بر روی بروز و اشاعه فساد تأثیر دارد. درباره این موضوع می‌توان به جمله معروف «میردال»<sup>۱</sup> اشاره کرد که راجع به فرد یا بنگاه در جامعه فسادآلود بیان می‌کند: «حال که به نظر

می‌آید همه مرتکب فساد هستند، پس چرا من از منافع فساد بهره نبرم» (Delhey & Newton, 2004).

«تالهور»<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در پژوهش خود نتیجه معتقد است، «ادراک و مشاهده فساد» مهم‌ترین و قوی‌ترین عاملی است که می‌تواند تغییرات اعتماد نهادی و به تبع آن کاهش سرمایه اجتماعی را توضیح دهد؛ مردمی که معتقدند فساد فراگیر شده است، اعتماد کمتری به نهادهای کشور دارند!

### ۱-۳. تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی

در پژوهش‌های متعددی این واقعیت اثبات شده است که کشورهای دارای رشد و توسعه اقتصادی، اعتماد متقابل بیشتری دارند (Fukuyama, 1995)، (Zak & Knack, 1998 & 2001)، (Beugelsdijk & de Groot, 2001)، (Beugelsdijk & et al, 2004)، (Berggren & et al, 2007)، (Grootaert, 2002) و (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۷)

در جوامعی که افراد به یکدیگر اعتماد زیادی دارند، اعتماد از سطح خانواده و افراد هم‌گروه بالاتر رفته، اعتماد سازمانی شکل می‌گیرد. در این شرایط، مردم به جای تولید کالا و خدمات به‌طور سنتی در خانواده و با افراد هم‌گروه، تولید شرکتی را آغاز می‌کنند که مبتنی بر اعتماد سازمانی است و به‌طور قطع منافع این نوع تولید، گسترده‌تر از تولید حداقلی خانوادگی است؛ به عبارت دیگر در نتیجه سطح بالای اعتماد، سازمان‌ها و شرکت‌ها شکل می‌گیرند و به تبع آن می‌توان برداشت کرد که هرگونه رشد و توسعه اقتصادی توسط سازمان و نه فرد شکل می‌گیرد و مسلماً موفقیت سازمان بستگی به میزان همکاری اجتماعی درون سازمانی دارد. اقتصاددانان شکل‌گیری سازمان را وابسته به نهادهایی از قبیل حق مالکیت، قراردادها و نظام قوانین تبلیغات می‌دانند؛ اما مسلماً نمی‌توان نقش اعتماد اجتماعی را در شکل‌گیری و موفقیت سازمان نادیده گرفت. سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد در جوامع، متفاوت است و این امر می‌تواند تفاوت‌های اقتصادی کشورها را توضیح دهد (Fukuyama, 1995).

تأثیر اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین عنصر سرمایه اجتماعی بر روی رشد اقتصادی،

گزاره‌ای است که درستی آن در پژوهش‌های متعددی اثبات شده است (سوری، ۱۳۸۳).

به‌طور کلی اعتماد اجتماعی از طریق مجاری زیر بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است:

۱- کاهش هزینه مبادلاتی؛ ۲- تأثیر بر روی توسعه مالی؛ ۳- اعتماد بر عملکرد و کارایی دولت؛ ۴- اعتماد بر ساخت و انباشت سرمایه انسانی؛ ۵- اعتماد بر تغییر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶)

## ۲. تبیین فرهنگ اسلامی (فرهنگ مطلوب) در رابطه با مفاسد اقتصادی با استفاده از مدل هافستد

برای شناخت تفاوت‌های فرهنگی جوامع، دستیابی به مشترکات آن‌ها ضروری است. عالمان اجتماعی کوشیده‌اند با استدلال نظری، تجربه میدانی و مطالعات آماری، مسائل مشترک بین جوامع را شناسایی کنند. یکی از مهم‌ترین مطالعات در زمینه شناخت فرهنگ، الگوی ابعاد هافستد است. همان‌طور که در بخش پیشینه تحقیق گذشت، پژوهش‌های متعددی راجع به رابطه فرهنگ و فساد هست که اکثر آن‌ها برای تبیین محیط فرهنگی مؤثر بر میزان فساد از الگوی هافستد بهره برده‌اند (GETZ & VOLKEMA, 2001)، (husted, 2002)، (Davis & ruhe, 2003)، (Sanyal, 2005) و (Coronado, 2008).

گفتنی است علاوه بر پذیرفتگی عمومی این مدل، در مورد علت استفاده از آن در این پژوهش می‌توان این دلیل را اقامه کرد که مؤلفه‌های ارائه‌شده ذیل این مدل و ابعاد تفصیلی ذیل هر مؤلفه به‌گونه‌ای مناسب تدوین شده‌اند؛ به‌طوری‌که می‌توان نسبت هر یک از آن‌ها را با آموزه اسلامی استخراج کرد.

به‌طور خلاصه مؤلفه‌های مدل فرهنگ پژوهی هافستد عبارت‌اند از:

**الف. فاصله قدرت:** برخی از ملت‌ها به سلسله‌مراتب علاقه‌مند هستند و آن را تأیید می‌کنند؛ درحالی‌که گروهی به تساوی همگانی معتقدند. برخی هم قائل به استقلال هستند و عده‌ای بر این باورند که افراد باید به دیگران متکی باشند.

**ب. اجتناب از نااطمینانی:** برخی از مردم بیش از دیگران نگران نبود اطمینان

در جامعه و مخاطره جویی (ریسک) هستند. آن‌ها مقررات، راهکارهای توأم باثبات و الگوهای ثابت زندگی را دوست دارند و این نکته را پذیرفته‌اند که باید از افراد خیره پیروی کرد.

**ج. گرایش به فردگرایی - جمع‌گرایی:** بعضی جوامع، چارچوب اجتماعی آزاد را می‌پسندند که در آن افراد، مسئول حمایت و مراقبت از خودشان هستند. جوامعی هم خواهان جمع‌گرایی بیشتر، خانواده‌های به هم نزدیک‌تر و صمیمی‌تر و سازمان‌هایی هستند که حافظ منافع آن‌ها بوده و در ازای آن، انتظار وفاداری از آن‌ها داشته باشند. فردگرایی و جمع‌گرایی دو سر طیف جدول هافستد است.

**د. جهت‌گیری کوتاه‌مدت - بلندمدت:** افراد یک جامعه تا چه حد به دنبال دست یافتن به نتایج فوری و سریع هستند و در مقابل، جوامع دیگر تا چه اندازه به نتایج بهتر و عمیق‌تر و البته بلندمدت‌تر گرایش دارند.

## ۲-۱. تبیین مؤلفه‌های مدل هافستد در فرهنگ اسلامی

در این قسمت پس از تشریح مؤلفه‌های مدل هافستد، با مراجعه به آیات و روایات، نسبت هر یک از این مؤلفه‌ها با مفاسد اقتصادی در فرهنگ اسلامی استخراج خواهد شد.

### ۲-۱-۱. تبیین مؤلفه «فاصله قدرت» در فرهنگ اسلامی در رابطه با مفاسد اقتصادی

در نظر هافستد، فاصله قدرت به دو صورت کم‌وزیاد قابل بررسی است که هرکدام ویژگی‌های خاص خود را دارد و می‌توان آن‌ها را در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.



**جدول ۱. فاصله قدرت در دو طرف طیف در حوزه هنجارها و باورها**

فاصله قدرت کم	فاصله قدرت زیاد
نابرابری‌ها میان افراد باید به حداقل برسد	نابرابری میان افراد هم مورد انتظار و هم مطلوب است
معنای سلسله‌مراتب در سازمان‌ها، تفاوت در نقش‌ها است که برای سهولت در کار برقرار شده است	سلسله‌مراتب در سازمان‌ها بیانگر نابرابری فرا دست‌ها و زیردست‌ها به لحاظ وجودی است
عدم تمرکز رایج است	تمرکز رایج است
استفاده از قدرت باید مشروع باشد و موضوع، معیار خوب و بد است	زور بر حق غلبه دارد: هر کسی که قدرت را در دست دارد، حق و خوب است
همگان باید از حقوق برابر برخوردار باشند	قدرتمند رجحان دارد
افراد قدرتمند تلاش می‌کنند کمتر از حدی که قدرت دارند، قدرتمند دیده شوند	افراد قدرتمند می‌کوشند تا حد امکان پر ابهت به نظر آیند
قدرت بر موقعیت رسمی، تخصص و توانایی اعطای پاداش مبتنی است	قدرت بر خانواده یا دوستان، فرهمندی و توانایی برای استفاده از زور مبتنی است
استفاده از زور در سیاست داخلی نادر است	تعارضات سیاسی داخلی بارها به خشونت منجر می‌شود
نظام فلسفی غالب بر برابری تأکید می‌کنند	نظام فلسفی غالب بر سلسله‌مراتب و قشربندی تأکید می‌کنند
آحاد مردم در برابر قدرت یکسان هستند	صاحبان قدرت مصون هستند

منبع: Hofstede, 2010, P72

برای روشن شدن مفهوم «برابری در اسلام» در فرهنگ اسلامی در آغاز باید به واکاوی بررسی مفهوم عدالت بپردازیم؛ از آنجا که بحث پیرامون مفهوم عدالت مجال موسعی می‌طلبد در اینجا فقط نظرات منتخبی را در باب عدالت ارائه می‌کنیم:

بر مبنای نظر شهید مطهری درباره عدالت، معنای عدالت، رعایت کردن توازن در جامعه است؛ یعنی «اعطاء کل ذی حق حقه» و ملاک این حق شایستگی است. پس باید بپذیریم که نابرابری بر مبنای شایستگی‌ها و توانایی‌ها در اسلام پذیرفته شده است؛ اما پرسش مهم این است که آیا نابرابری در قانون نیز در اسلام پذیرفته شده است؟ از بیانات شهید مطهری استنباط می‌شود که در مفهوم اسلامی از عدالت، همه افراد در برابر قانون مساوی‌اند؛ یعنی قانون همه افراد را به یک چشم نگاه می‌کند. (مطهری، ۱۳۶۸، ج. ۲۵، ص. ۲۵۰)

با توجه به آیه شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء: ۵۹) می‌توانیم بگوییم که در فرهنگ اسلامی سلسله‌مراتب امری پذیرفته شده است و مقام و منزلت مدیر بالاتر به سبب شایستگی و مراتب وجودی اوست؛ نه ناشی از قدرت‌های ظاهری یا ملاحظات دیگر. پس سلسله‌مراتب مدیریتی در نظام اداری اسلام ریشه در بینش توحیدی دارد و یکی از شئون توحید، ربوبیت

تشریحی خداوند است (درودی، ۱۳۷۷، ص ۴۲). عدالت در فرهنگ اسلامی، توجه به مراتب وجودی افراد و قرار دادن هر چیز در جایگاه خود است؛ در این فرهنگ همه در برابر قانون یکسان‌اند و قدرت سیاسی هیچ‌گونه مزیتی در مقابل قانون محسوب نمی‌شود، بلکه هر کس به هرم قدرت نزدیک‌تر است، در صورت خطا مؤاخذه‌اش شدیدتر بوده است. در واقع در فرهنگ اسلامی قدرت و جایگاه به شکل طبیعی و غریزی از پیش تعیین‌شده نیست و به عملکرد و تلاش و قابلیت افراد بستگی دارد. در همین فرهنگ است که مسئول خود را خادم رعیت می‌داند و هیچ‌وقت خود را بالاتر از آن‌ها نمی‌شمارد؛ بنابراین به خود اجازه نمی‌دهد که از قدرت استفاده نامشروع کند. نکته بسیار مهم در این فرهنگ این است که زندگی شخص حاکم مانند مردم است و او هیچ امتیازی برای خود قائل نیست. همچنین در فرهنگ اسلامی میزان تکلیف افراد با توجه به قدرت و مسئولیت آن‌ها متفاوت است؛ یعنی هر کس مسئولیتش بیشتر، تکلیفش هم بیشتر است (عوقی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳).

بر همین مبنا دلالت‌های مهمی از تبیین مؤلفه فاصله قدرت در فرهنگ اسلامی در رابطه با مفاسد اقتصادی قابل استنتاج است؛ بسیاری از مفاسد اقتصادی در جهان ناشی از وجود سلسله مراتبی است که بر مبنای آن مدیران و مسئولان با استفاده از قدرت و ثروت زیاد خود دست به اقدامات غیرقانونی می‌زنند. از طرفی همین افراد از تبعیض در اعمال قانون بهره می‌برند و بعید است که سیستم قضائی بتواند یا بخواهد به جرائم آن‌ها رسیدگی کند.

همان‌طور که گفته شد، در فرهنگ اسلامی مؤلفه فاصله قدرت ویژگی‌هایی دارد که در این فرهنگ به اعتقاد، باور و ارزش عموم مردم تبدیل می‌شود و چنانچه مسئولی، ضد آن عمل کند، مؤاخذه می‌گردد. در این فرهنگ، مسئول به تناسب جایگاهش، تکلیف بیشتری دارد و چنانچه خطا کند، با شدت بیشتری مؤاخذه می‌شود؛ پس انگیزه اختلاس و ارتشا و ... کاهش می‌یابد. در این فرهنگ مدیر خود را خادم مردم می‌داند و مردم نیز انتظار خدمت از او دارند. او حمایت و مصونیت بی‌چون و چرای نهادهای قضائی را ندارد و دائماً مراقب رفتار خویش

خواهد بود.

نکته دیگر توجه به شایستگی در ارتقای جایگاه فرد در جامعه است. مردم انتظار دارند که افراد بر اساس وجدان کاری، پشتکار، صداقت در فعالیت‌های اقتصادی، وفای به عهد و پیمان‌های اقتصادی، دوری از کلاه‌برداری و تقلب و ... ارزیابی شوند، نه بر اساس تقلب، باندهبازی و سوءاستفاده از قدرت.

## ۲-۱-۲. تبیین مؤلفه «جمع‌گرایی - فردگرایی» در فرهنگ اسلامی در رابطه با مفاسد اقتصادی

طبق نظر هافستد، جوامع در طیفی قرار می‌گیرند که در جدول ۲ ابتدا و انتهای آن مشاهده می‌شوند.

جدول ۲. ویژگی‌های اصلی جوامع جمع‌گرا و فردگرا در حوزه هنجارها و باورها

فردگرا	جمع‌گرا
هر فرد به شیوه‌ای رشد می‌کند که فقط از خود و خانواده بی‌واسطه (هسته‌ای) خود مواظبت کند.	افراد در خانواده‌های گسترده یا دیگر گروه‌های خودی متولد می‌شوند که همواره آن‌ها را در برابر وفاداری‌شان حمایت می‌کنند.
هویت بر فرد مبتنی است.	هویت فرد بر شبکه اجتماعی مبتنی است که فرد به آن تعلق دارد.
بچه‌ها یاد می‌گیرند که در قالب «من» فکر کنند	بچه‌ها یاد می‌گیرند که در قالب «ما» فکر کنند
خطا منجر به تقصیر و ضربه به حیثیت شخصی فرد می‌گردد	خطا سبب شرمساری و آبروریزی برای خود شخص و گروه وی می‌شود
وظیفه بر رابطه غلبه دارد	رابطه بر وظیفه غالب است
مصالح فردی بر مصالح جمعی غالب است	مصالح جمعی بر مصالح فردی غلبه دارد
هرکسی حق حریم خصوصی دارد	زندگی خصوصی مورد حمله گروه (ها) است
از هرکسی انتظار می‌رود که یک دیدگاه خصوصی داشته باشد	دیدگاه‌ها تحت تأثیر عضویت گروهی است
انتظار می‌رود که قوانین و حقوق برای همگان یکسان باشد	قوانین و حقوق بر اساس گروه‌ها تفاوت می‌کند
اقتصاد مبتنی بر مصالح فردی است	اقتصاد مبتنی بر مصالح جمعی است

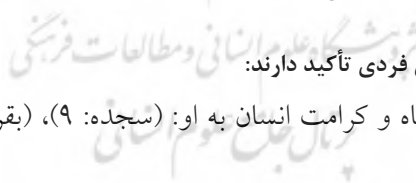
منبع: Hofstede, 2010, P113

تمایز فردگرایی - جمع‌گرایی در زمان‌های مختلف مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده و بحث‌های موسعی پیرامون آن انجام شده است که بررسی دقیق آن‌ها از عهده این پژوهش خارج است. پایه و مبنای این مباحث بر نظر شهید مطهری که برگرفته از آرای فلسفی علامه طباطبائی بوده، قرار داده شده است. ایشان بر اساس آیات قرآنی به اصالت فرد در عین اصالت جامعه معتقدند و این دو را نافی هم نمی‌دانند. شهید مطهری نظریه خود را با استفاده از آیات قرآن

مجید در این باب ارائه کرده و بر نقش قرآن در طرح مباحث اجتماعی در بین مسلمین تأکید داشته‌اند. از سوی دیگر تعلیمات اسلامی بر اساس حاکم نبودن جبر اجتماعی بر انسان بنا شده است. ایشان معتقدند جامعه، هستی و حیات مختص به خود دارد که با هستی تک‌تک افراد جامعه متفاوت است و از لحاظ هستی‌شناسی نیز دارای اصالت است. (مطهری، ۱۳۸۰، صص. ۲۱۳-۲۱۵)

شهید مطهری در باب تقدم جامعه، ضمن قبول تأثیر فوق‌العاده جامعه در افراد و گره خوردن سرنوشت جمعی بشر با یکدیگر، مسئولیت فرد را نفی نکرده، امکان حرکت برخلاف جامعه را تأیید می‌کنند و بدین معنا روان‌شناسی را بر جامعه‌شناسی مقدم می‌دانند. نکته مهم در تفکر مطهری این است که فرد می‌تواند برخلاف سیر و جریان جامعه سیر و حرکت کند؛ می‌تواند مسیر تاریخ را دگرگون سازد و این یعنی انسان اختیار و آزادی دارد. در اینجا شاهکار اصلی شهید مطهری در جمع کردن این دو امر است و این در سایه قبول فطرت برای انسان است؛ بنابراین، تقدم روان‌شناسی به معنای قبول استعدادهای ذاتی و فطری درون انسان است که امکان استقلال شخصیت وی را در قبال جامعه حفظ می‌کند (دژکام، ۱۳۷۵، ص ۱۳۰-۱۴۰)

قرآن در آیات متعددی بر ارزش‌های فردی و جمعی تأکید دارد که در ادامه به‌اختصار به این آیات اشاره می‌شود.



الف) آیاتی که بر ارزش‌های فردی تأکید دارند:

- شناساندن جایگاه و کرامت انسان به او: (سجده: ۹)، (بقره: ۳۱)، (آل عمران: ۳۳)؛

- شناساندن جایگاه انسان در دنیا به این معنا که انسان خود را خلیفه خدا در زمین تلقی می‌کند: (بقره: ۳۰)، (انعام: ۱۶۵)، (هود: ۶۱)، (ذاریات: ۵۶)، (جاثیه: ۱۳).

- آیاتی که با نگرش ویژه‌ای به انسان باعث می‌شود انسان خود را موجودی مستقل و دارای منزلت و در جایگاه عالی تلقی کند، برقراری ارتباط قلبی با خدا (بقره: ۲۱)، (انعام: ۱۴)، (انبیاء: ۹۲)، (حجر: ۹۹).

- بازداشتن انسان از انحلال شخصیت و منع انسان از تقلید کورکورانه از تفکرات غیرمنطقی جمع (بقره: ۱۷۰).

- مسئول بودن شخص در برابر عملکردهایش: هر کس مسئول اعمال خودش است و نمی‌تواند بار مسئولیت خویش را بر عهده دیگران قرار دهد (بقره: ۱۳ - ۱۴)، (بقره: ۴۸)، (لقمان: ۳۳)، (فاطر: ۱۸)، (مدثر: ۳۸).

(ب) آیات دال بر ارزش‌های جمعی:

- تأکید بر جمع‌گرایی در عبادات مانند نماز جماعت و جمعه، نماز عید فطر و قربان، حج (حج: ۲۷ - ۲۸).

- تقویت اصل برادری در میان مردم (حجرات: ۱۰).

- توجه ویژه به جایگاه خانواده (روم: ۲۱).

- امر به فعالیت گروهی در زمینه خیر و دوری از فساد (مائده: ۲) (آل‌عمران:

۱۰۳ و ۱۰۵)، (انفال: ۴۶)

با توجه به موارد پیش‌گفته می‌توان بیان داشت که اسلام قائل به اصالت فرد و اصالت جامعه است و بیان می‌دارد که فرد و جامعه بر هم اثرگذار بوده، فرد امکان حرکت برخلاف جامعه را دارد. نکته دیگر اهمیت فرد و جامعه در فرهنگ اسلامی است؛ به عبارت دیگر در اسلام برای هر یک از افراد احکام و دستورهای وجود دارد که دال بر استقلال و حفظ شأن و منزلت او است و همچنین احکام و دستورهای وجود دارد که به گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی مثل خانواده، بستگان و اجتماع مسلمین تعلق دارد. با این توضیح اسلام با توجه به فطرت انسان، او را در مسیر معینی هدایت و از انحلال شخصیت و تبعیت بی‌قید و شرط از جامعه نهی می‌کند و در نهایت هر کس در مقابل اعمال خود مسئول است و افراد در مقابل جامعه خود نیز مسئول‌اند (عوقی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹).

بر همین مبنا دلالت‌های مهمی از تبیین مؤلفه جمع‌گرایی - فردگرایی در

فرهنگ اسلامی در رابطه با مفاسد اقتصادی قابل استنتاج است: در این فرهنگ، فرد حسنات جامعه را می‌پذیرد و درونی‌سازی می‌کند؛ اما در مقابل انحرافات موضع می‌گیرد؛ چون معیارهای دقیق تکلیف محوری در دین تبیین شده است. در

این تفکر رابطه بر ضابطه اولویت ندارد؛ بنابراین فرد، منافع شخصی و گروهی خود را بر منفعت جامعه ترجیح نمی‌دهد. چه‌بسا که فرد در گروهی عضویت داشته باشد و مادامی که بتواند از آن گروه منفعت حلالی دریافت کند یا منفعتی به گروه برساند به عضویتش ادامه دهد؛ اما به محض اینکه احساس کند گروه از او چیزی می‌خواهد که خلاف دستورات الهی و منفعت جامعه است، نسبت به خواست نامشروع گروه سرپیچی کند. در این حالت، نگاه عمومی مردم، او را یک انسان قهرمان و وارسته تلقی می‌کند؛ نه یک انسان خیانت‌کار و طغیانگر!

در فرهنگ اسلامی، عمل بر اساس تکلیف انجام می‌شود و کنشگر اقتصادی حاضر نیست از طریق فساد اقتصادی نظیر اختلاس و رشوه، به خود و هم‌گروهی‌های خود نفع برساند و در مقابل، خیر جمعی را نادیده بگیرد.

### ۲-۱-۳. تبیین مؤلفه «اجتناب از ابهام»<sup>۱</sup> در فرهنگ اسلامی

جدول ۳. تفاوت‌های کلیدی بین جوامع با «اجتناب ضعیف از ابهام» و «اجتناب قوی از ابهام»

اجتناب ضعیف از ابهام	اجتناب قوی از ابهام
ابهام یک خصیصه عادی زندگی است و همه‌روزه انتظار پیشامد آن وجود دارد	ماندگاری ابهام در زندگی به‌عنوان تهدیدی مستمر احساس می‌شود که باید با آن جنگید
استرس کم، احساس ذهنی خوب بودن	استرس بالا؛ احساس ذهنی اضطراب
راحتی در موقعیت‌های مبهم و با مخاطرات ناشناخته	پذیرش مخاطرات شناخته‌شده؛ ترس از موقعیت‌های مبهم و مخاطرات ناشناخته
آنچه متفاوت است، عجیب است	آنچه متفاوت است، خطرناک است
قوانین و مقررات اندک و کلی	قوانین و مقررات بسیار و جزئی
اگر مقررات، امکان رعایت نداشته باشند، باید تغییر کنند	اگر امکان رعایت مقررات وجود نداشته باشد، ما گناهکاریم و باید توبه کنیم
صلاحیت شهروند در برابر مقامات	عدم صلاحیت شهروند در برابر مقامات
اعتراض شهروند پذیرفتنی است	اعتراض شهروند باید سرکوب شود
شهروندان نسبت به نهادها نگرش مثبت دارند	شهروندان نسبت به نهادها نگرش منفی دارند
کارمندان دولتی نسبت به فراگرد سیاسی نگرش مثبت دارند	کارمندان دولتی نسبت به فراگرد سیاسی نگرش منفی دارند
مدارا، اعتدال	محافظه‌کاری، افراط‌گرایی، قانون و نظم

منبع: Hofstede, 2010, P 203

طبق مطالب پیش‌گفته مؤلفه «اجتناب از ابهام» با سطح نگرانی در هنگام مواجه شدن با امر ناشناخته سروکار دارد و اینکه آیا جامعه ابهام را مطلوب و فرصت می‌داند یا تهدید، برای دستیابی به پاسخ می‌توان موارد زیر را مطرح کرد:

#### 1. Uncertainty avoidance

۱- **تکلیف‌گرایی:** این ویژگی در مسلمانان همواره باعث اعتمادبه‌نفس و بالا بردن ریسک‌پذیری می‌شود. بر اساس قرآن و سیره علمی و عملی امامان معصوم (عهم) ما مأمور به تکلیف هستیم نه نتیجه!

۲- **اعتماد نسبت به سلسله‌مراتب مدیریتی:** یکی دیگر از عواملی که مسلمان را در مواجهه با ابهامات قوی‌تر می‌کند و ریسک‌پذیری او را بالا می‌برد، این است که آنان بر اساس مؤلفه فاصله قدرت، کارگزاران حکومت را افراد صالح و خدمتگزار رعیت می‌دانند؛ بنابراین نسبت به ظلم و فرمان‌های غیرعادلانه از ناحیه آن‌ها احساس مصونیت می‌کنند.

۳- **توکل عامل ریسک‌پذیری:** منظور از توکل اعتماد به خدا در انجام کارها و واگذاری امور خود به او است. توکل تعادل روانی فرد را افزایش داده و در صورت نرسیدن به هدف، او را از اضطراب بازدارد (مطهری، ۱۳۸۲، ص. ۴۵).

۴- **قاعده نفی غرر:** مسلمانان وظیفه دارند در تعاملات اقتصادی، مواردی را که در اصل قرارداد دخالت دارد، از قبیل زمان، مکان، خصوصیات و شرایط انجام معامله و هر آنچه را قابل پیش‌بینی است، در معامله مشخص کنند؛ اما بدیهی است در این میان معامله‌ای هم پیدا می‌شود که از تمام جهات اطلاعات، کامل و شفاف نباشد و ریسک و احتمال خسارت در آن باشد؛ بنابراین فقها عرف را معیار قضاوت در غرری بودن یا نبودن می‌دانند.

۵- **روح حاکم بر عقود نظیر مضاربه:** «مضاربه» در لغت یعنی تجارت با سرمایه دیگری و در اصطلاح، عقدی است که به موجب آن فردی (مالک) مالی را در اختیار فردی دیگر (عامل) می‌گذارد تا با آن مال تجارت کند و سود حاصله میان آن دو به نسبت معینی تقسیم شود. (نجفی، ۱۳۳۱ق، ج. ۲۶، ص. ۳۳۷) در عقد مضاربه، چنانچه به دلیل شرایط اقتصادی و نه به دلیل افراط و تفریط عامل، ضرری به سرمایه وارد شود، این ضرر متوجه مالک است. «عامل امین است و اگر تلف یا عیبی بر مالی که در اختیار دارد، عارض شود ضامن نیست؛ مگر اینکه تعدی یا تفریط کرده باشد. همین‌طور عامل ضامن زیان وارده بر مال در اثر تجارت نیست و همه این‌ها بر عهده مالک است»؛ (نجفی، ۱۳۳۱ق، ج. ۲۶، ص.

۳۷۸) یعنی عامل ریسک در قرارداد مضاربه ملاحظه شده است.

دلالت‌های مهم در تبیین مؤلفه اجتناب از ابهام در فرهنگ اسلامی در رابطه با مفاسد اقتصادی عبارت‌اند از:

با دقت در تمایزی که هافستد در ویژگی‌های مربوط به جوامع دو طرف طیف استخراج کرده است، پیش‌بینی می‌شود در جوامعی که ابهام را امری خطرناک تلقی می‌کنند و مدام در حال فرار از ابهام هستند، مفاسد اقتصادی، امکان ظهور و بروز بیشتری دارد. مردم در این جوامع، به دلیل فرار از ابهام راغب هستند همواره در شرایط اطمینان زندگی کنند؛ بنابراین تلاش می‌کنند به هر قیمتی که شده فضای اطمینان را به دست آورند. برای مثال حاضرند به مسئولان دولتی رشوه دهند تا به موقعیتی مطمئن دست یابند؛ اما در فرهنگ اسلامی، مسلمانان، شرایط ابهام را خطرناک تلقی نمی‌کنند؛ بلکه آن را امری عادی می‌دانند که تا حدی در همه امور جاری و ساری است؛ آن‌ها در درجه اول می‌کوشند تا حد امکان، مبهمات را با استفاده از علم رفع کنند و سپس با استفاده از عامل توکل شرایط ریسک واقعی را پشت سر گذارند. مؤمنان همچنین موظف‌اند در چنین شرایطی (شرایط ریسک و ابهام نسبت به آینده) به تکلیف عمل نمایند.

نکته دیگر اینکه در جوامع با اجتناب زیاد از ابهام، مردم نگاه مناسبی نسبت به حکومت و فراگردهای سیاسی ندارد؛ در چنین فضایی، زمینه برای مفاسد بزرگ فراهم می‌شود؛ با این توجیه که وقتی سرمداران در حال ثروت‌اندوزی هستند، چرا ما دست روی دست بگذاریم!

در فرهنگ اسلامی اما تلقی مردم نسبت به مسئولان خوش‌بینانه همراه با دقت نظر است. آنان می‌دانند چنان‌که شخصی از مسئولین، خطایی مرتکب شود، به مجازاتی شدیدتر از مجازات مردم عادی دچار می‌گردد. طبیعی است که در چنین فضایی، امکان رفتارهای فسادآلود پایین می‌آید.



۲-۱-۴. تبیین مؤلفه «جهت‌گیری کوتاه‌مدت- بلندمدت» در فرهنگ اسلامی

جدول ۴. تفاوت‌های کلیدی بین جوامع با گرایش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت

جهت‌گیری بلندمدت	جهت‌گیری کوتاه‌مدت
انطباق سنت‌ها با شرایط مدرن	احترام برای سنت‌ها
احترام برای تعهدات اجتماعی و موقعیتی درون حدود	احترام برای تعهدات اجتماعی و موقعیتی صرف‌نظر از هزینه
پس‌انداز، صرفه‌جویی در منابع	فشار اجتماعی برای «چشم و هم‌چشمی» حتی اگر به معنای اسراف باشد
تخمین پس‌انداز زیاد، وجوه در دسترس برای سرمایه‌گذاری	تخمین پس‌انداز کم، پول اندک برای سرمایه‌گذاری
میل به فرغ قرار دادن خود شخص نسبت به یک هدف	نتایج سریع مورد انتظار است
سروکار داشتن با احترام به مقتضیات فضیلت	سروکار داشتن یا دارا بودن حقیقت

منبع: Hofstede, 2010, P 243

از آنجاکه گرایش، در نتیجه نیاز حاصل می‌شود، لازم است مفهوم نیاز را مورد مذاقه قرار دهیم. با توضیح انسان‌شناسی از منظر اسلام، می‌توان نیازهای انسان را به نیازهای مادی و معنوی تقسیم‌بندی کرد؛ نیازهای مادی در اثر به هم خوردن تعادل شیمیایی بدن به وجود می‌آیند و در همه انسان‌ها ثابت هستند؛ اما نیازهای معنوی از بعد روحانی انسان سرچشمه می‌گیرند و بعد از ارضای نیازهای مادی اساسی بدن ظاهر می‌شوند. اصولاً نیازهای معنوی والای بشر، زاده ایمان و اعتقاد و دل‌بستگی او به برخی حقایق در این جهان است که آن حقایق هم ماورای فردی و هم عام و شامل و ماورای مادی است؛ یعنی از نوع نفع و سرمایه مادی نیست. این‌گونه ایمان و دل‌بستگی‌ها به‌نوبه خود مولود برخی جهان‌بینی‌ها و جهان‌شناختی‌ها است که از طرف پیامبران الهی به بشر عرضه شده یا برخی فلاسفه خواسته‌اند نوعی تفکر عرضه کنند که ایمان‌زا و آرمان‌خیز باشد؛ به‌هرحال نیازهای والای معنوی و فوق حیوانی انسان آنگاه که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا کند، نام «ایمان» به خود می‌گیرد (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۴).

در فرهنگ اسلامی انسان موجودی با اهداف والای انسانی است که بیشتر مربوط به زندگی اخروی او است؛ بنابراین نه‌تنها دستگاه خلقت عبث و بیهوده نیست، بلکه هدف والای آن رسیدن به قرب الهی است. برای همین انسان مسلمان در زندگی احساس خلأ نمی‌کند و بین اهداف و وسیله‌های رسیدن به آن‌ها ارزیابی صحیح و منطقی دارد و برای استفاده از نعمت‌ها خود را ملزم به رعایت ضوابطی می‌داند. بر این اساس در فرهنگ اسلامی، با توجه به تکلیف‌گرایی و الزام به انجام

واجبات و ترک محرمات، مسلمانان انتظار دارند، پاداش اعمال خود را در آخرت دریافت کنند؛ پس عاقبت‌گرایی و نتیجه‌گرایی بلندمدت در این فرهنگ موج می‌زند (عوقی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۷).

دلالت‌های مهمی از تبیین مؤلفه «جهت‌گیری کوتاه‌مدت، بلندمدت» در فرهنگ اسلامی درباره مفاسد اقتصادی قابل استخراج است که عبارت‌اند از:

در فرهنگ مردمانی که به نتیجه‌آنی و بی‌دردسر و کوتاه‌مدت‌گرایی دارند، تفکر غالب و عمومی این است که با استفاده از ابزارهای قانونی و بعضاً غیرقانونی، نسبت به حصول نتیجه‌آنی و کوتاه‌مدت شرایط اطمینان حاصل شود. در چنین فرهنگی، مخارج دوره فعلی نسبت به مخارج دوره آینده ارجحیت دارد و همان‌طور که در توضیحات مربوط به تمایز فرهنگی بیان شد، مردم در این فرهنگ تمایل شدیدی به مصرف دارند و وجوه اندکی را برای سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرند. در مقابل در فرهنگ اسلامی، هدف عالی انسان، تقرب به خداوند است؛ به این معنا انسان، در تک‌تک لحظه‌های زندگی، رضایت حق تعالی را سرلوحه اعمال و رفتارهای خود قرار می‌دهد. در این فرهنگ، مسلمانان، نیازهای مادی خود را به گونه‌ای تأمین می‌کنند که به حرکت آن‌ها به سمت حیات معنوی لطمه‌ای وارد نکند؛ پس حاضر نیستند که برای تأمین نیازهای مادی خود به ارتشاء، اختلاس، دزدی و ... دست بزنند یا در وظایف خود در مقابل ارباب‌رجوع کم‌کاری کنند؛ زیرا می‌دانند که همه این امور مشتمل بر حق‌الله و حق‌الناس است. اعتقاد به نظام پاداش در جهان آخرت در میان مسلمانان، نتیجه‌گرایی بلندمدت را تا حد زیادی تقویت می‌کند و باعث تقویت‌گرایی بلندمدت در فرهنگ اسلامی می‌شود و جلوگیری می‌کند از اینکه مسلمانان، گرفتار منفعت‌های زودگذر (مفاسد اقتصادی) حاصل از راه‌های غیرقانونی شوند.

### ۳. جمع‌بندی و ارائه توصیه‌های سیاستی

درهم‌تنیدگی عرصه‌های حیات جمعی نظیر اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مواردی از این دست بر کسی پوشیده نیست. در حقیقت این انتزاع‌های ذهنی و خط‌کشی‌های تئوریک به این منظور صورت می‌گیرد که مطالعه در آن‌ها با سهولت بیشتری انجام

شود؛ اما اگر این خط‌کشی‌ها باعث شود که این عرصه‌ها به‌صورت منفک و غیر مرتبط مورد مطالعه قرار گیرند، قطعاً بسیاری از حقایق مغفول مانده، توصیه‌های سیاستی دقیق نخواهند بود.

پدیده فساد وقتی مطمح نظر اندیشمندان اقتصادی قرار می‌گیرد، بیشتر وجه تقاضای فساد مطالعه می‌شود؛ مطالعاتی که مفید است؛ اما بی‌توجهی به بخش عرضه فساد (سرایت رفتارهای فسادآلود در قاطبه مردم) باعث می‌شود که بخش مهمی از واقعیات در مورد فساد مغفول بماند. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ابعاد مختلف پدیده عرضه فساد بوده و تلاش داشته است این موضوع را از منظر فرهنگی مورد مذاقه قرار دهد. مسئله فساد ارتباط وثیقی با حوزه اقتصاد دارد و کنترل و رفع مفاسد، باعث کاهش سطح ادراک فساد در فضای عمومی جامعه می‌شود و در نتیجه اعتماد و سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود. پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی نشان داده‌اند که بین سرمایه اجتماعی (و مهم‌ترین وجه آن یعنی اعتماد اجتماعی) و شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر رشد و سطح توسعه‌یافتگی همسویی مثبت وجود دارد. الگوی زیربنای این پژوهش به شرح نمودار شماره ۱ است.

نمودار ۱. الگوی زیربنایی پژوهش



در این پژوهش تأثیر فرهنگ اسلامی در رفع و کنترل مفاسد اقتصادی در چارچوب مدل فرهنگ پژوهی هافستد بررسی شد. تطبیق مؤلفه‌های فرهنگی الگوی هافستد (۱۹۹۱) با آموزه‌های اسلامی نشان داد که فرهنگ اسلامی (در

صورت تحقق) نقش قابل توجهی در کنترل و رفع فساد (عرضه فساد) خواهد داشت. جهت گیری‌های انسان مسلمان نمونه (که ویژگی‌های آن بر مبنای آیات قرآن، روایات و نظرات اندیشمندان اسلامی استخراج شد) در مورد مؤلفه‌های فاصله قدرت، اجتناب از نااطمینانی، جمع گرایی - فردگرایی و گرایش کوتاه‌مدت - بلندمدت، تأکید کننده گزاره فوق است.

توصیه‌های سیاستی مستخرج از این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- مبارزه با مفاسد اقتصادی، مستلزم طراحی برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. در برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت مبارزه با فساد، عمدتاً از ابزارهای مدیریتی، اقتصادی (نظیر طراحی سازوکار برای سوق دادن انگیزه‌ها به سمت رفتارهای سالم اقتصادی، طراحی جریمه‌های اقتصادی، جلوگیری از تعارض منافع و ...) و قضائی (جرم‌نگاری مفاسد اقتصادی و اقدامات تنبیهی) استفاده می‌شود؛ اما در برنامه بلندمدت، باید تمرکز ویژه‌ای بر بسترهای فرهنگی مفاسد اقتصادی داشت و ابزارهای فرهنگی را در جهت فرهنگ‌سازی رفتارهای سالم اقتصادی و تقبیح رفتارهای آلوده به فساد به کار گرفت.

۲- بخش تقاضای فساد (رفتارهای فسادآلود کارگزاران حاکمیتی) و بخش عرضه آن (پیشنهاد فساد از سوی متقاضیان خدمات) باید به صورت توأمان بررسی شود. در این پژوهش تأکید نگارنده بر سمت عرضه فساد بود و خلأ پژوهش‌های کاربردی در این حوزه احساس می‌شود؛ نکته مهم آنکه تأکید بر بخش عرضه فساد، نافی اهمیت روزافزون سمت تقاضای فساد نیست.

## منابع

- ادیبان، مهدی (۱۳۸۷). گردآوری و طبقه‌بندی مسائل فرهنگ عمومی کشور و اولویت‌بندی بر اساس نظر خبرگان فرهنگی. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۴). تحول فرهنگی در جامعه صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
- بابایی، محمدباقر (۱۳۸۷). نقش دانشگاه در مهندسی فرهنگ کشور. دانشگاه اسلامی. ۱۲ (۲). صص. ۶۷-۸۰.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۶). نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور. مجموعه مقالات همایش مهندسی فرهنگی. (جلد اول)، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. صص. ۵۸-۷۵.
- درودی، مجتبی (۱۳۷۷). بررسی و تحلیل نظری اصل وحدت و هماهنگی در سازمان با رویکرد اسلامی. قم: مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی.
- دژکام، علی (۱۳۷۸). تفکر فلسفی غرب از منظر استاد مطهری. تهران: اندیشه.
- رحمانی، تیمور. امیری، میثم (۱۳۸۶). بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران با روش اقتصادسنجی فضائی. مجله تحقیقات اقتصادی. (۷۸): صص ۲۳-۵۷.
- رنانی، محسن. مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی. فرآیند مدیریت و توسعه. (۶۸ و ۶۹): صص. ۸۵-۱۰۵.
- سوری، علی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی. تحقیقات اقتصادی. (۶۹): صص. ۸۰-۱۰۲.
- عوقی، وحید (۱۳۸۸). تبیین شاخص‌های فرهنگی عصر ظهور با نگاه مدیریتی. پایان‌نامه. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). طبقه‌بندی و اولویت‌بندی مسائل فرهنگ عمومی. فصلنامه مطالعات فرهنگی. (۶): صص. ۴۵-۶۶.
- گوهری مقدم، مرتضی (۱۳۹۲). فرهنگ عمومی. پژوهشگاه فرهنگ، هنر، ارتباطات. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار، بیست گفتار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). انسان در قرآن. تهران: صدرا.

- محمدنژاد چاوشی، حبیب (۱۳۶۸). مدیریت فرهنگ. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. (۳۴): صص ۳۹ - ۶۳.
- نجفی، محمدحسن، (۱۳۳۱ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، موسسه التاریخ العربی، قم، ج. ۲۶، ص. ۳۳۷.
- Anderson, C. J., & Tverdova, Y. V. (2003). Corruption, political allegiances, and attitudes toward government in contemporary democracies. *American Journal of Political Science*, 47(1), 91-109.
- Barr, A., & Serra, D. (2010). Corruption and culture: An experimental analysis. *Journal of Public Economics*, 94(11-12), 862-869.
- Becker, S. O., Egger, P. H., & Seidel, T. (2009). Common political culture: Evidence on regional corruption contagion. *European Journal of Political Economy*, 25(3), 300-310.
- Berggren, N., Elinder, M., & Jordahl, H. (2008). Trust and growth: a shaky relationship. *Empirical Economics*, 35(2), 251-274.
- Beugelsdijk, S., De Groot, H. L., & Van Schaik, A. B. (2004). Trust and economic growth: a robustness analysis. *Oxford economic papers*, 56(1), 118-134.
- Beugelsdijk, S., De Groot, H. L., & Van Schaik, A. B. (2004). Trust and economic growth: a robustness analysis. *Oxford economic papers*, 56(1), 118-134.
- Chang, E. C., & Chu, Y. H. (2006). Corruption and trust: exceptionalism in Asian democracies?. *The Journal of Politics*, 68(2), 259-271.
- Collier, M. W. (2002). Explaining corruption: An institutional choice approach. *Crime, Law and Social Change*, 38(1), 1-32.
- Davis, J. H., & Ruhe, J. A. (2003). Perceptions of country corruption: Antecedents and outcomes. *Journal of Business Ethics*, 43(4), 275-288.
- Dekker, P., & Uslaner, E. M. (2003). *Social capital and participation in everyday life*. Routledge.
- Delhey, J., & Newton, K. (2004). Social trust: Global pattern or nordic exceptionalism? (No. SP I 2004-202). WZB Discussion Paper.
- Fukuyama, F. (1995). Social capital and the global economy. *Foreign Aff.*, 74, 89.
- Getz, K. A., & Volkema, R. J. (2001). Culture, perceived corruption, and economics: A model of predictors and outcomes. *Business & society*, 40(1), 7-30.

- Grootaert, C., & Van Bastelar, T. (Eds.). (2002). Understanding and measuring social capital: A multi-disciplinary tool for practitioners. The World Bank.
- Hofstede, G., Hofstede, G. J., & Minkov, M. (2005). Cultures and organizations: Software of the mind (Vol. 2). New York: Mcgraw-hill.
- Husted, B. W. (2002). Culture and international anti-corruption agreements in Latin America. *Journal of Business Ethics*, 37(4), 413-422.
- Martin, K. D., Cullen, J. B., Johnson, J. L., & Parboteeah, K. P. (2007). Deciding to bribe: A cross-level analysis of firm and home country influences on bribery activity. *Academy of Management Journal*, 50(6), 1401-1422.
- Morris, S. D., & Klesner, J. L. (2010). Corruption and trust: Theoretical considerations and evidence from Mexico. *Comparative Political Studies*, 43(10), 1258-1285.
- Paldam, M. (2001). Corruption and religion adding to the economic model. *Kyklos*, 54(2-3), 383-413.
- Robertson, C., & Fadil, P. A. (1999). Ethical decision making in multinational organizations: A culture-based model. *Journal of Business Ethics*, 19(4), 385-392.
- Rothstein, B., & Eek, D. (2009). Political corruption and social trust: An experimental approach. *Rationality and society*, 21(1), 81-112.
- Sanyal, R. N., & Samanta, S. K. (2002). Corruption across countries: The cultural and economic factors. *Business and Professional Ethics Journal*, 21(1), 21-46.
- Seleim, A., & Bontis, N. (2009). The relationship between culture and corruption: a cross-national study. *Journal of Intellectual Capital*, 10(1), 165-184.
- Seligson, M. A. (2002). The impact of corruption on regime legitimacy: A comparative study of four Latin American countries. *The journal of Politics*, 64(2), 408-433.
- Štulhofer, A. (2005). Perception of corruption and the erosion of social capital in Croatia 1995-2003. *Politička misao: časopis za politologiju*, 41(5), 74-86.
- Zak, P. J., & Knack, S. (2001). Trust and growth. *The economic journal*, 111(470), 295-321.